آموزش پیشگیری از ایدز در مدارس به جای تلاش برای تربیت جوانان مومن و معتقد

نگرانی خانواده‌ها از جریان‌های خزنده در آموزش و پرورش

وقوع برخی اتفاقات به اسم آموزش و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در مدارس که بدون در نظر گرفتن اقتضائات فرهنگی و اجتماعی کشور انجام می‌شود نگرانی خانواده‌ها و دلسوزان تعلیم و تربیت را در پی داشته است.

این روزها والدینی را می‌بینیم که با گلایه از اتفاقات عجیب در سطح مدارس کشور از آسیب دیدن فرزندانشان به علت قرار گرفتن در معرض آموزش‌های نامناسب و نامأنوس با فرهنگ جامعه ایرانی نگران هستند.

در گزارش‌های گذشته کیهان با هشدار نسبت به اجرای بی‌سر و صدای برخی آموزش‌های نامناسب در سطح برخی مدارس تحت عنوان پیشگیری از ایدز یا پیشگیری از آزار جنسی کودکان و نوجوانان،اشاره شد که به نظر این اتفاقات در ادامه اجرای چراغ خاموش سند ننگین ۲۰۳۰ است. سندی که مدت‌ها کارشناسان تعلیم و تربیت و دلسوزان از خطرات اجرای آنکه نسخه نوشته شده توسط نهادهای غرب گرا و بین‌المللی نظیر یونسکو بود گفتند و نوشتند اما دولت بی‌توجه به نظرات این افراد کمر به اجرای آن بسته بود و کارگروه‌های ویژه برای آن تشکیل و دستورالعمل نیز ابلاغ شده بود، اما در نهایت با هشدار و تذکر جدی رهبر انقلاب این سند پر خطر از دستور کار آموزش و پرورش خارج شد.

اما اتفاقات این روزها گویای این است که ظاهرا این سند به شیوه‌ای دیگر در حال اجراست. حال علت آن اعتقاد قلبی برخی مسئولان به این سند ننگین است یا عمل به تعهداتی که به سازمان‌های بین‌المللی داده اند، مشخص نیست.

هرچند وزیر محترم آموزش و پرورش در گفت‌وگوی اخیر تلویزیونی خود ضمن اذعان به خطرناک بودن و نامناسب بودن سند ۲۰۳۰ از اجرا نشدن آن در سطح مدارس خبر داد و اعلام کرد که حتی کمیته‌ای را برای بررسی موارد احتمالی از گزارش اجرای این سند در مدارس و برخورد با اجرا کنندگان آن تشکیل داده است، اما به نظر دیدن موارد مشکوک اجرای این سند و یا همپوشانی عجیب برخی آموزش‌ها با محتوای سند ۲۰۳۰ چیزی نیست که از دید ایشان و همکارانشان پنهان بماند.

البته وزیر محترم در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود از وقوع برخی تخلفات در قالب آموزش‌های نامناسب در سطح مدارس خبر داد که البته به گفته ایشان توسط برخی نهادهای غیردولتی در خارج از مدارس اجرا می‌شود، حال اینکه شواهد بارز این اتفاق، آموزش برخی مسائل عجیب و نامناسب در سطح مدارس با برچسبی ظاهر الصلاح اما باطنی خطرناک است که پیش از این به آنها پرداخته ایم اما برای یادآوری به مهم‌ترین آنهااشاره می کنیم.

این روزها اگر در اینترنت یک جست‌وجوی ساده از واژه «آموزش پیشگیری از ایدز به دانش‌آموزان» انجام دهید با تعداد زیادی عکس و گزارش از اجرای این موضوع در سطح مدارس در مقاطع مختلف روبرو می‌شوید.

به این نمونه‌ها توجه کنید: «کلاس آموزشی راه‌های پیشگیری از ایدز و راه‌های انتقال آن روز پنجشنبه ۱۶ آذر ۹۶ در دبستان دخترانه هشتم شهریور واقع در منطقه ۱۶ آموزش‌وپرورش برگزار شد.»

«به مناسبت هفته ملی و روز جهانی ایدز کلاس‌های آموزشی با موضوع ایدز و راه‌های پیشگیری و انتقال آن توسط پزشکان، کارشناسان بیماری‌ها و بهورزان مرکز بهداشت شهرستان رامشیر برای دانش‌آموزان و اولیاء آنها در بسیاری از مدارس راهنمایی و دبیرستان برگزار شد.» (آذر ۱۳۹۵)

«در روز دوشنبه بیست و هفتم آذرماه توسط مراقبین سلامت پایگاه رهنان (اصفهان)، سه جلسه آموزشی با موضوع پیشگیری از ایدز، راه‌های انتقال آن، علائم و چگونگی پیشگیری از رفتارهای پرخطر و سبک زندگی سالم به مناسبت هفته ایدز در دبستان دخترانه جمهوری برگزار شد.»

«در روز دوشنبه سیزدهم آذرماه توسط خانم... مراقب سلامت پایگاه فرهنگیان جلسه آموزشی با موضوع پیشگیری از بیماری ایدز و راه‌های انتقال آن برای دانش‌آموزان مدرسه فرزام(پسرانه) برگزار شد». توجه کردید؟ آموزش راه‌های انتقال ایدز به دانش‌آموزان پسر توسط یک خانم!

«آموزش نحوه پیشگیری از بیماری ایدز توسط واحد بهداشت دبستان نیکو به دانش‌آموزان آغاز شد.»

نمونه‌های دیگری از این موارد وجود دارد که از بیان آنها صرف نظر می‌کنیم.

توزیع بروشور پیشگیری از آزار جنسی در بین دانش‌آموزان ابتدایی

چند روز گذشته یکی از اولیا با طرح گلایه و شکایت از مسئولان آموزش و پرورش از ماجرایی گفت که وی را بسیار آشفته و نگران کرده بود. به گفته این مادر در روزهای گذشته بروشوری در مدرسه فرزند وی توزیع شده با موضوع «تربیت جنسی- پیشگیری از سوءاستفاده جنسی» و از دانش‌آموزان خواسته شده است تا این بروشور را به والدین خود در خانه تحویل دهند. با نگاهی به این بروشور که با درج نام آموزش و پرورش شهر تهران تولید شده و البته نام یک مرکز مشاوره نیز در ذیل آن آمده است با نمونه‌های زیادی از اطلاعات و مطالب پیرامون جزئیات اندام جنسی در پسران و دختران و چگونگی پیشگیری از آزار جنسی و نحوه برخورد با کودک مورد آزار قرار گرفته روبرو می‌شویم که بسیار تعجب برانگیز است که حتی اگر هدف از این مطالب آموزش والدین بوده است چرا این جزوه باید به دانش‌آموز داده شود. با مراجعه این مادر به مدرسه مدیر مدرسه مدعی می‌شود که آموزش و پرورش تاکید کرده که این بروشور توسط دانش‌آموزان به والدین تحویل شود.

حتی مسئولان آموزش و پرورش شهر تهران نیز با تبرئه خود اصل ماجرا را به رده‌های بالاتر از خود منتسب می کنند.

در مورد دیگری مادر یک دانش‌آموز دختر ۱۳ ساله از دادن جزوه آموزشی با ارائه اطلاعاتی پیرامون اندام جنسی و موارد مشابه از اطلاعات مربوط به آموزش جنسی گلایه داشت، آن هم جزوه‌ای تهیه شده توسط انجمن اولیا و مربیان. گلایه این مادر از این بود که هرچند ممکن است مخاطب اصلی این جزوه والدین باشند اما مطالعه آن توسط فرزند وی باعث ایجاد حساسیت‌ها و سؤالاتی برای وی شده است که می‌تواند آسیب رسان باشد.

عباس شمسعلی

چند سؤال از وزیر آموزش و پرورش

هرچند مدیرکل تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با کیهان پاسخ به این موارد را به بررسی بیشتر موکول کرد و مدعی شد این وزارت خانه برنامه‌ای برای این چنین آموزش‌هایی ندارد، اما اکنون چند سؤال مطرح می‌شود که بهتر است وزیر محترم آموزش و پرورش به آنها پاسخ دهند.

اول اینکه اگر به گفته ایشان آموزش سند ۲۰۳۰ از دایره اجرا در مدارس خارج شده است چرا مواردی که شباهت بسیار با محتوای این سند دارد این روزها در حال رواج در برخی مدارس کشور است؟

بر چه اساسی این روزها آموزش پیشگیری از ایدز تبدیل به یک مسئله مهم در این وزارت خانه شده است؟ وقتی میزان فراگیری این بیماری در جامعه ما در حدی نیست که این میزان نگرانی و نیاز به آموزش را بطلبد این آموزش‌ها چه هدفی را دنبال می‌کند؟

حتی اگر نگران فراگیر شدن ایدز در جامعه هستید آیا تنها راه ممکن آموزش پیشگیری و راه‌های انتقال است؟ آیا فکر نمی‌کنید که اگر همه تلاش و همت مسئولان آموزش و پرورش در تربیت نسل مومن، صالح و با بصیرت و ارزشمدار خرج شود جامعه ما در آینده نه تنها بحران شیوع ایدز نخواهد داشت بلکه از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی هم جلوگیری می‌شود؟

به راستی در سال‌های گذشته که البته بخش زیادی از آن مربوط به کادر فعلی نیست، چه بر سر مهم‌ترین نهاد آموزشی و تربیتی کشور آمده که عده‌ای سراسیمه نگران شیوع ایدز و طبعا رفتارهای پر خطر از سوی دانش‌آموزان به عنوان خروجی این سیستم آموزش هستند؟

چرا به جای فرهنگ سازی و گرایش دادن دانش‌آموزان به سمت تربیت در تراز انقلاب اسلامی از پله آخر و با استفاده از تفاله‌های آموزشی غربی تلاش می‌کنیم جامعه را بسازیم؟

چرا این تلاش‌ها برای اجراشدن کامل سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش به کار گرفته نمی‌شود؟

جناب وزیر، چه کسی مجوز ورود سیستم بهداشت و درمان یا گروه‌های غیردولتی مشکوک را به مدارس برای ارائه این آموزش‌ها به دانش‌آموزان صادر کرده است؟ مگر این دانش‌آموزان امانت خانواده‌ها نیستند؟ آیا همه خانواده‌ها از ارائه این آموزش‌ها راضی هستند؟

حتی اگر نیاز به برخی آموزش‌ها از جمله پیشگیری از آزار جنسی کودکان که این هم موضوعی فراگیر در جامعه ما نیست وجود دارد چرا با دعوت از خانواده‌ها و گذاشتن جلسه مشاوره به آنها یا روش‌های دیگر این کار صورت نمی‌گیرد؟ یا این جزوه‌ها به دست خود والدین برسد؟

وقتی مدیرکل اموراجتماعی استانداری تهران از آموزش‌های پیشگیری از آزارجنسی کودکان درمهدها و پیش‌دبستانی‌ها خبر می‌دهد آیا اینها با هماهنگی اموزش و پرورش است؟

آیا کسی نگران حساس شدن و کنجکاوی دانش‌آموزان که در معرض این اطلاعات قرار می‌گیرند و یا بروز بلوغ زودرس و کم شدن تمرکز آنها از درس و کسب علم و معرفت و گرایش به رفتارهای پرخطر نیست؟ به راستی اگر این دانش‌آموزان که ممکن است در معرض بلوغ زودرس و فوران نیاز جنسی قرار بگیرند تصمیم به ازدواج بگیرند همین مسئولان به آنها اجازه ازدواج می‌دهند؟ جالب اینکه طبق تکلیف سازمان‌های بین‌المللی و خودشیرینی برخی مسئولان و نمایندگان مجلس تلاش می‌شود سن ازدواج قانونی افزایش داده شود که خود این موضوع یعنی ارائه آموزش و خطر بلوغ زودرس و پیشگیری از ازدواج با هم تناقض دارد.

سؤالات بسیاری در این زمینه‌ها مطرح است که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت؟ اما به راستی اگر سند ۲۰۳۰ با نهیب رهبر روبرو نشده بود و اجرا می‌شد دیگر قرار بود چه اتفاقاتی در سطح مدارس رخ دهد؟

از وزیر محترم که خود به وجود برخی‌اشکالات در این زمینه‌ها معتقد و معترف هستند می‌خواهیم تلاش کنند تا نهاد مقدس آموزش و پرورش جمهوری اسلامی همچنان مقدس و محترم و تکیه گاه امن خانواده‌ها باقی بماند.

نامه وارده

حذف یک زن دردمند و فرزند یتیمش از مسکن مهر تهرانسر به خاطر یک میلیون تومان!

خانمی هستم که در طرح مسکن مهر ویژه تهرانسر ثبت‌نام کرده‌ام. با وجود داشتن یک بچه یتیم و مادر پیر و مریض با سختی‌های فراوان با فروش وسایل منزل و گذران روزهایی سخت در این مدت چهار سال که حتی روزهایی از آن را بدون غذا گذراندیم این پول‌ها را به امید خانه‌دار شدن جمع کرده و ۹۹ درصد پول ساخت را پرداخت کردم. اما تأسف‌انگیز اینکه به علت باقی ماندن بدهی یک میلیون تومانی از پول این خانه دولت خانه این یتیم را بالا کشید و ما را از این پروژه حذف کرد. به مسکن و شهرسازی مراجعه کردم و علت را پرسیدم اما بدون اینکه علت پرداخت نشدن این پول را از من سؤال کنند اعلام می‌کنند که چون مراجعه نکرده‌اید شما را حذف کردیم. آیا این ظلم نیست که به راحتی واحد مسکونی ساخته شده با پول یتیم بالا کشیده شود و دولت به اموال یتیم هم رحم نکند.

به خاطر خدا و این یتیم اطلاع‌رسانی کنید.

نگذارید «جماران» مرکز تجاری شود

سال‌های قبل در جماران قبرستانی بود که در سال ۱۳۴۶ برای همیشه بسته شد. پس از سال‌ها این قبرستان توسط پهلوی به یک خانواده ارتشی داده شد. پس از انقلاب این محوطه تبدیل به شهرداری منطقه یک شد و دوباره پس از مدتی تالار عقیق ساخته شد. بخش اعظم آن رها بود و همه این محوطه اوقافی بود. در سال ۱۳۸۶ این محوطه که شامل درختان قدیمی بود شروع به ساخت شد همه درختان خشک شد و از ریشه درآمد. در این مکان یک ۲۰ طبقه ساخته شد که ۱۰ سال ساخت و ساز آن و اذیت و آزار مردم این محله طول کشید.

مدت دو ماه است که طبقه زیر این ساختمان به عنوان هایپر راه‌اندازی شده است و از ساعت ۴ صبح بارگیری و سر و صدا و آزار و اذیت است. از ساعت ۱۰ به بعد هم ترافیک زیاد و آخر شب هم نگهبان‌ها نوار می‌گذارند و تمام خیابان پر از سر و صدا است. اصلا به آرامش مردم توجه نشده و هیچ شکایتی پاسخ داده نمی‌شود. یک فن بسیار بزرگ روی این ساختمان است که صدای آن به اندازه یک اتوبان بزرگ سر و صدا دارد.

ضمن آنکه این ساختمان ۲۰ طبقه در یک کوچه ۶ متری ساخته شده است و کاملا غیرقانونی است، بافت سنتی این محله که منتسب به امام خمینی(ره) می‌باشد نیز به هم ریخته شده است.

این ساختمان عظیم‌الجثه از خیابان اصلی تا خیابان برادران سبزی و کوچه حسن جشنی کشیده شده و در این شعاع بزرگ آرامش مردم را گرفته است.

مشکل دیگر این هایپر کم کردن مشتریان تره‌بار و مغازه‌های اطراف است.

از مسئولان امر تقاضا دارم به شکایت اهالی این منطقه رسیدگی کرده و از تبدیل بافت سنتی محله جماران به یک مرکز تجاری بی‌هویت جلوگیری کنند.

یکی از ساکنان بومی محله جماران

بدهکارانی که طلبکارند!

بررسی وضعیت زنان در جوامع غربی به بهانه ۸ مارس، روز جهانی زن

دکتر سمیرا خطیب زاده

رهبر معظم انقلاب: غربی‌ها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آنها به زن خیانت کردند. تمدّن غربی به زن هیچ نداده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سُست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند!

به ۸ مارس و روز جهانی زن که نزدیک می‌شویم یک سؤال تاریخی، بزرگ و اثرگذار در ذهن ما نقش می‌بندد «زن بودن چیست؟» و «شخصیت اصلی و واقعی زن کدام است؟» آیا زنان امروز دنیا خوشبختند یا فاصله عمیقی تا خوشبختی واقعی دارند؟

در دنیای کنونی که رسانه‌ها نقش مهمی در جهت دار کردن، بزرگنمایی و فریب مخاطبان دارند، در دنیایی که رسانه‌ها با تمامی امکانات و قابلیت و تکنیک‌های القایی و اقناعی مهارتی عجیب در بزک نمودن زشتی‌ها، پر نشان دادن کمبودها و زیبا نشان دادن و آزاد جلوه دادن زنان دارند براستی چه حقیقتی نهفته است؟ آیا زنان غربی واقعا خوشبختند؟! آیا اساسا زن در جامعه غربی، احساس آرامش می‌کند و آزاد است؟ خانواده در غرب چگونه تعریف می‌شود؟ و از همه این‌ها مهم تر، آیا نداشتن پوشش و حجاب، بر باد دادن عفت و غیرت، و تعریف کردن آزادی در تن‌نمایی، زنان غربی را به اوج خوشبختی، زیبایی و آرامش رسانده است؟! براستی کعبه آمال و مدینه فاضله‌ای که همواره از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و محتواهای شبکه‌های اجتماعی به زنان جامعه ما عرضه می‌شود تا قلب و ذهن زنان و دختران ایرانی را تسخیر نماید، حقیقت و واقعیت دارد؟

برای پاسخی درست، مستدل و واقعی به سؤالات اخیر باید گزارشی مستند از وضعیت کنونی زنان در غرب ارایه داد تا حقیقت ماجرا برهمگان روشن شود، هر چند دیدن عمق فاجعه آسان نیست چرا که هنر غربیان در بزَک کردن و سانسور و پوشش نامرئی پشت صحنه زندگی تباهشان زبانزد است اما نگاهی عمیق می‌خواهد و دیده‌وری ژرف نگر تا از عمق فاجعه پرده بردارد!

زن بدون خانواده (شعار اصلی غربی‌ها)

مرد ستیزی، مبارزه با خانواده و سنت‌های دیرینه آن و نفی خانواده یکی از معضلات و مشکلات بزرگ در جوامع غربی است و بدون شک امروزه خانواده‌گریزی یکی از عواقب تلخ ترویج فمینیسم در این جوامع است.

فمینیسم غربی با معرفی خانواده به عنوان جایگاه اصلی پابرجایی ستم بر زنان و مهم‌ترین عامل فرودستی آنها، منجر به تضعیف این نهاد مهم اجتماعی و سست شدن روابط خانوادگی در جوامع غربی شده و این مسئله تا آنجا پیش رفته است که امروز از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام‌های لیبرال‌دمکراسی، از هم پاشیدن خانواده اعلام شده است.

بنا بر تحقیقی در دانشگاه «روتگرز نیوجرزی» در سال ۲۰۱۵، نرخ طلاق از سال ۱۹۹۸ تا آن سال ۳۰ درصد افزایش یافته، در حالی که نرخ ازدواج با سرعت بیشتری کاهش پیدا کرده است و امروزه فقط ۳۸ درصد از آمریکاییان ازدواج خود را موفق می‌دانند که در مقایسه با ۲۵ سال قبل، ۵۳ درصد کاهش دارد. امروز در آمریکا ۵۱ درصد از کل ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود.

در انگلستان نیز نرخ ازدواج اول از سال ۱۸۸۹ تا امروز به پایین‌ترین حد خود رسیده و نرخ طلاق ۶ برابر شده است.

دکتر «جنیفر بیکر» عضو ارشد و رئیس‌بخش برنامه خانواده درمانی در مؤسسه روانشناسی «فارست» درباره میزان آمار طلاق در آمریکا می‌گوید: «با توجه به تغییر فرهنگ مردم در آمریکا، آمار بسیار وحشتناکی از طلاق و ازدواج‌های غیر رسمی به چشم می‌خورد، هیچ اطمینانی وجود ندارد که بگوییم ۵۰ درصد ازدواج‌های انجام گرفته، به صورت طبیعی ادامه پیدا کند و اغلب به طلاق می‌انجامد.»

جدول، نشان‌دهنده وضعیت نرخ ازدواج و نرخ طلاق و نسبت آمار طلاق به ازدواج در ۱۰کشوری است که دارای بالاترین درصد طلاق نسبت به ازدواجند که مربوط به سال‌های اخیر می‌باشد

ردیف	کشور	ازدواج	طلاق	درصد طلاق به ازدواج
۱	بلژیک	۴/۲	۳	۷۱
۲	پرتغال	۳/۷	۲/۵	۶۸
۳	جمهوری‌چک	۴/۴	۴/۴	۶۶
۴	اسپانیا	۳/۶	۲/۲	۶۱
۵	استونی	۳/۸	۲/۲	۵۸
۶	کوبا	۵/۲	۲/۹	۵۶
۷	فرانسه	۳/۸	۲/۱	۵۵
۸	آمریکا	۶/۸	۳/۶	۵۳
۹	لیتوانی	۴/۲	۲/۲	۵۲
۱۰	روسیه	۹/۲	۴/۸	۵۱

تحقیر مادری

افکار فمینیستی غربی به زنان توصیه می‌کنند که فرزندآوری خود را کنترل کنند، آنان داشتن فرزند را به عنوان رایج‌ترین مانع بر سر راه پیشرفت زنان معرفی کرده و نقش مادری را امری حاشیه‌ای و بازدارنده تلقی می‌کنند.

تحقیر نقش مادری و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی از سوی زنان در جامعه باعث کاهش نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورهای غربی شده و بسیاری از کشورها را با بحران کاهش جمعیت روبه‌رو کرده است؛ تا جایی که برای افزایش جمعیت تمهیداتی اندیشیده شده است؛ از جمله باروری مصنوعی، تجارت اینترنتی اسپرم، تجارت کودکان از طریق مادران باردار و قاچاق کودکان از کشورهای دیگر و غیره (مکنون، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴)

تاکید بر سقط جنین

از معروف‌ترین و پردامنه‌ترین مطالبات جریانات فمینیستی غربی مبارزه برای تصویب حق سقط جنین بوده است. آنها معتقدند هر زنی در هر زمان که بخواهد باید بتواند جنین خود را از بین ببرد و خود را از قید تهدیدات او برهاند. از دههٔ ۱۹۷۰ تا کنون اصل سقط جنین در کشور آمریکا قانونی شده است و آمارهای رسمی سقط جنین در آمریکا به شدت تعجب‌آور و تأسف‌انگیز است.

در مجموع میان کل باروری‌ها در ایالات متحده آمریکا ۲۲ درصد آنها به سقط جنین ختم می‌شود. (یعنی بیش از یکی از هر پنج مورد) وضعیت کنونی ایالات متحده آمریکا که در آن ۹۳ درصد از سقط جنین‌هایی که صورت می‌گیرد بدون هرگونه اضطرار و نیاز پزشکی و صرفاً به خواست والدین می‌باشد، محصول عملی شدن نگاه لیبرالی در زندگی جمعی انسان‌ها در ایالات متحده آمریکا است.

از سال ۱۹۷۳ (آغاز سقط جنین قانونی در ایالات متحده آمریکا) تا سال ۲۰۰۵ بالغ بر ۴۵ میلیون سقط جنین قانونی در این کشور صورت گرفته است. (موارد سقط جنین غیرقانونی و نیز افزایش شدید به کارگیری روش های ضد بارداری را باید جداگانه در نظر گرفت.)

البته باید این آمار وحشتناک را اضافه کرد که در هر سال در سراسر جهان بین ۴۲ میلیون تا ۷۰ میلیون سقط جنین صورت می‌گیرد، این بدان معنی است که توجیه نظری سقط جنین عاملی برای تداوم یک نسل کشی وحشتناک در سراسر جهان است.

از این میان شایان ذکر است که فقط یک درصد از کل سقط جنین‌های صورت گرفته به این علت صورت می‌گیرد که جنین حاصل تجاوز جنسی است و کمتر از ۵ درصد دیگر به علت خطرات حاملگی برای سلامت مادر یا جنین انجام می‌شود. این در حالی است که ۹۳ درصد از سقط جنین‌های صورت گرفته به خواست والدین (در این‌جا خصوصاً مادر) و بدون هیچ مشکل پزشکی صورت می‌گیرد.

در سال ۱۹۷۳ دادگاه عالی ایالات متحده در پرونده «رو دربرابر وید» (Roe v. Wade) چنین حکم کرد که زنان پس از مشورت با پزشک خود این حق را دارند که اقدام به سقط جنین نمایند و دولت حق مداخله در این زمینه را ندارد.

«ویکی ایوان» محقق کلیسای سان فرانسیسکو در تحقیقات خود درباره سقط جنین در آمریکا نشان می‌دهد بر اساس قوانین و سیاست های پشت پرده، رشد سقط جنین نسبت به ۳۰ سال گذشته بیش از ۳۰ درصد افزایش داشته است.

بنابر تحقیقات وی، هزار و۷۸۷ مرکز حمایت از سقط جنین در آمریکا وجود دارد و این مراکز ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده است. گفتنی است که بدون استفاده از اندام جنین های سقط شده، عملا تجارت لوازم آرایشی سود زیادی ندارد، بسیاری از لوازم آرایشی تولید شده برای افراد سالخورده و برای جلوگیری بیشتر از چروک شدن و پیری پوست به کار می رود که در این لوازم آرایشی به صورت مستقیم از جنین انسان استفاده می‌شود.

تغییر نقش زنان و مردان

در غرب هر روز تعداد بیشتری از زنان به الگوهای رفتاری تهاجم و خشونت که الگوهایی خاص مردان به شمار می‌روند، جذب می‌شوند. زنان جوان به دنبال وارد شدن به حیطه‌های مخصوص مردان هستند و از آن به عنوان خطر کردن و کام‌جویی یاد می‌کنند.

رسیدن به استقلال اقتصادی و کسب موقعیت‌های برتر شغلی از مهم‌ترین اهداف جنبش‌های زنانه در غرب است، ولی امروزه بر اساس آمارهای سازمان‌های بین‌المللی، زنان فقیرترین افراد جامعه بشری هستند که از سویی امکان دسترسی به سرمایه را ندارند و از سوی دیگر، با از دست دادن کانون خانواده، از امتیاز حمایت‌های خانواده نیز محروم‌اند. در عین حال، میان مردان جوان نیز تمایلی به سوی «زنانگی»، با بذل علاقه به مسائلی از قبیل مد و رسیدگی به جسم و تن، مشاهده می‌شود.

ازدواج‌های غیررسمی و نامشروع

بر اساس آمارهای رسمی همه روزه به شمار زنان اروپایی که بدون پیوند زناشویی دارای فرزند می‌شوند افزوده می‌شود. در دانمارک پدران و مادران مجرد، اکثر اوقات نزد هم در یک خانه زندگی می‌کنند و اداره آمار آنان را به منزله پدران و مادران ازدواج‌کرده به شمار می‌آورد. در ایرلند، وجود مادران ازدواج‌نکرده بیش از مادران متأهل عمومیت دارد و حتی در انگلستان، به مادران مجرد سرپرست خانوار، امکانات و محل اقامت داده شده است.

تولد فرزندان نامشروع

تولد فرزندان نامشروع نقش خانواده را به عنوان یک پایگاه مطمئن برای آرامش روحی و روانی در غرب از بین برده و حتی تأثیرات آن بر جامعه نیز آشکار شده است. وجود فرزندان تک‌والد، زایمان در سنین بالا، فناوری تولید مثل یا پدیده مادران میانجی (مادرانی که با پذیرش نطفه دیگران به عنوان ظرف جنین، زحمت اجاره را متحمل می‌شوند و در قبال آن پول دریافت می‌کنند)، کودکان سرراهی و پرورش نسلی آسیب‌پذیر، خشونت‌گرا، غیراخلاقی و نابهنجار، همگی از جمله پیامدهای منفی ترویج افکار فمینیستی بر جوامع غربی است.

بررسی آمارهای رسمی و غیررسمی در کشورهای توسعه‌یافته حاکی از یک وضعیت کاملاً ناامیدکننده است. بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۸ تعداد زوج‌های همزیست بدون ازدواج در آمریکا ۱۰ برابر شده است. بیش از یک‌سوم این خانوارها دارای فرزند هستند. به عبارتی امروزه یک سوم کودکان در آمریکا از زنان مجرد متولد می‌شوند و درصد چنین تولدهایی در دهه نود در جای جای آمریکا افزایش یافته‌است.«کی.اس.مویتز» از این وضعیت که در چهار دهه گذشته اتفاق افتاده، با تعبیر«طوفان اجتماعی»یاد می‌کند. (CF. Hymowitz ,۲۰۰۱) از سال ۱۹۵۰ تا سال ۱۹۹۰، نرخ زایمان زنان ازدواج نکرده در آمریکا از ۱۴/۱ در هر هزار نفر به ۴۳/۸ و تعداد کودکان نامشروع با احتساب نرخ رشد جمعیت، رشد بسیار بالایی داشته است. همچنین نرخ زایمان دختران زیر ۲۰ سال (۱۵ الی ۱۹ ساله)، از ۱۲/۶ به ۴۲/۵ (۳۳۷ درصد) افزایش یافته است» (پل ویتز، سیاحت غرب، ش ۱۰، ص ۳۴)

افزایش تجاوزات جنسی

تجاوز جنسی در حقیقت هجومی وحشت‌آور و توهین‌آمیز است که ساختار امنیت زن را منهدم می‌کند و به مفهوم وجودی او ضربه می‌زند که گاهی حتی از افشای این عمل عاجز می‌ماند. در واقع اعطای حق خودداری از تمکین جنسی به زنان در مقابل همسر، همراه با نارسایی‌های موجود در خانه و اجتماع، موجب شده است که تجاوزهای جنسی، به ویژه از سوی محارم در غرب به شدت افزایش یابد.

اداره بررسی ملی جنایات در آمریکا اعلام کرده که تعداد تجاوزهای واقعی دو برابر تجاوزهایی است که گزارش شده است، زیرا زن‌ها مایل نیستند تجاوزی را که از سوی نزدیکان و محارم اتفاق افتاده است گزارش دهند. جنبش metoo# که چندی پیش در شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر بازتاب فراوانی داشت نشان از عمق فاجعه‌ای است که زنان غربی در آن به سر می‌برند.

افزایش روسپی‌گری

یکی دیگر از پدیده‌های جدید در غرب برده‌داری و بهره‌کشی از زنان به شیوه‌های کاملا امروزی و متفاوت از گذشته است. جهانگردی سکس به عنوان یک استراتژی توسعه، تایلند، کره جنوبی و فیلیپین را به مراکز قانونی این نوع جهانگردی تبدیل کرده است.

«عروس‌های سفارشی» یا «زنان مکاتبه‌ای» زنان و دختران کشورهای در حال توسعه هستند که توسط مؤسسات همسریابی برای مردان ثروتمند دول صنعتی و توسعه‌یافته تهیه می‌شوند و غالباً در مراکز فحشای غیرقانونی زندگی می‌کنند و در معرض انواع خشونت و سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و روانی قرار می‌گیرند.

به نوشته مطبوعات مادرید، در حال حاضر «تجارت برده‌کشی نوین» (روسپی‌گری) با درآمد سالانه هفت میلیارد دلار، بعد از قاچاق اسلحه، دومین تجارت جنایت‌کارانه و پررونق جهان است.

همچنین کنفرانس سازمان همکاری امنیت در اروپا اعلام کرد: سالانه حدود ۲۰۰ هزار زن و دختر در اروپا به خودفروشی و... کشیده می‌شوند و در حال حاضر، قاچاق انسان در قالب روسپی‌گری، کار اجباری و فرزندخواندگی غیرقانونی،گریبان‌گیر تمامی ۵۴ کشور عضو این کنفرانس است.

همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی نسخه‌ای است که فمنیست‌های افراطی به همه زنان دنیا تجویز می‌کنند، آزادی بی‌حدوحصری که مخرب‌ترین و زننده‌ترین تئوری اجتماعی است و به هر قیمتی می‌خواهد خانواده را نابود کند. همجنس‌بازان درصددند تا در همه زمینه‌ها، حقوقی یکسان با زوج‌های ازدواج کرده داشته باشند، رابطه جنسی آنها ازدواج به شمار آید و از حقوق بهداشتی، بیمه، بازنشستگی، حق به فرزندی گرفتن کودکان، وراثت، مالیات و... کاملا مشابه با زوج‌های قانونی استفاده کنند و خواهان آن هستند که همگان این عادات و رفتارها را تایید و تصدیق نیز بکنند.(جنگ علیه خانواده/ ۲۳۵-۲۳۴)

بدون تردید همجنس‌بازی پدیده‌ای ضدخانواده و ایدز بدون تردید یک بیماری مرتبط با همجنس‌بازی است که اشاعه هر چه بیشتر همجنس‌بازی، افزایش ایدز را به دنبال خواهد داشت. (گاردنر)

خانواده تک‌والدی

آزادی جنسی زنان در کنار مبارزات جریان‌های فمنیستی غربی علیه ازدواج و مادر بودن، به افزایش خانواده‌های تک‌والدینی یا خانواده‌هایی که تنها مادر سرپرست آن است و افزایش تولد کودکان نامشروع نیز کمک کرده است.

این جریان‌ها به اسم دفاع از زنان به اصل نهاد خانواده حمله کردند، بدون اینکه جایگزین مناسبی برای آن پیشنهاد کنند. به‌ویژه در بسیاری از جوامع کنونی شعار مبارزه با پدرسالاری موجب از بین رفتن اقتدار پدر و در موارد زیادی موجب محروم ماندن خانواده از حضور پدر شده است. در بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به آسیب‌های خانواده‌های غربی، بی‌پدری به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده این آسیب‌ها بر شمرده شده است.

جامعه‌شناسان اذعان دارند تعداد کودکانی که بدون پدر در آمریکا زندگی می‌کنند، بسیار زیاد است و طبق نظرسنجی که در سال ۱۹۹۶ صورت گرفت، ۷۰ درصد مردم آمریکا معتقدند بسیاری از مشکلاتی که دامن‌گیر جامعه و خانواده‌های آمریکایی می‌شود، ناشی از عدم حضور فیزیکی پدر در خانه است. به‌عبارت دیگر بحران خانواده در واقع بحران بی‌پدری است.

آنچه گفته شد تنها گوشه‌ای از وضعیت اسفبار زنان در جوامعی است که فریاد دفاع از حقوق و آزادی از قشر زن در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی و غیررسمی‌شان گوش جهانیان را کر کرده است.

تصویری واقعی که در پشت ویترین پررنگ و لعاب غربی به درستی برای زنان جوامع دیگر تبیین نشده و به نمایش در نمی‌آید.

اما خوب است که زنان ایران اسلامی و بسیاری از جوامع مسلمان و آزادیخواه دنیا بدانند که نسخه‌های وارداتی و تجویز شده از سوی بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی، الگو گرفته شده از همین مشق شکست خورده غربی برای زنان است که نه تنها دردی دوا نخواهد کرد بلکه به سر منشا بسیاری از گرفتاری‌ها و مصیبت‌های کنونی و آینده جوامع خواهد بود.

از همه دنیا طلبکارند در حالی که باید بدهکار باشند!

رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا(س) در تاریخ ۱۳۷۹/۶/۳۰، فرمودند: «غربی‌ها درباره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آنها به زن خیانت کردند. تمدّن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکری هم در زنان دیده می‌شود، مال خود زن‌هاست. در هر کشوری چنین پیشرفت‌هایی نصیب زنان شود - که در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم شده است - مال خود زن هاست. آنچه که غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدّن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده او را هم اصلاح نکرده‌اند. مکرّر در مطبوعات آمریکایی و اروپایی، میزان بالای زن‌آزاری‌ها و شکنجه‌ها و بی‌مهری‌ها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سُست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه سرمایه‌داری و رسانه‌های مستکبرِ جبّارِ غربی قضیه را به‌عکس می‌کنند؛ آنها می‌شوند طلبکار؛ آنها می‌شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غربی‌ها هم مسلّماً متفکرانی، فلاسفه‌ای و انسان‌های صادق و صالحی هستند که صادقانه فکر می‌کنند و حرف می‌زنند. آنچه که من می‌گویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدّن غربی به زیان زن و علیه زن است.»